

شبان

داشت که اطاعت از خدا باعث برکت زندگی مان خواهد شد. یونس از انجام اراده خدا گریخت و سرانجام خود را در شکم یک نهنگ یافت؛ اما یوسف با فروتنی مطیع اراده خدا گردید و خدا نیز برای جلال خویش، او را به مقامی بلند منصوب ساخت.

حال، به خودمان نگاه کنیم؛ ما چگونه می‌توانیم اراده خدا را کشف کنیم؟ در بخش نخست از این مجموعه، دیدیم که چگونه بعضی‌ها اراده

خدا را بهانه‌ای برای کسب منافع شخصی خود قرار می‌دهند. اراده خدا در انزوا مکشوف نمی‌شود؛ این امری خصوصی نیست، بلکه از طریق ارتباط با کلام خدا و قوم او دریافت می‌گردد. در بخش دوم، آموزه حاکمیت خدا را بررسی کردیم و دیدیم که هر انسانی باید حاضر باشد تسلیم این حقیقت شود که خدا قادر مطلق است و تمام تاریخ را تحت کنترل دارد تا هدف و جلال خود را به کمال برساند. داود این حقیقت را در مزمور ۳۳: ۱۰-۱۱ اینچنین بیان

می‌دارد: «خداوند مشورت امت‌ها را باطل می‌کند؛ تدبیرهای قبائل را نیست می‌گرداند. مشورت خداوند قائم است تا ابدالابد؛ تدبیر قلب او تا دهرالدهور.» ما مسیحیان به قضا و قدر اعتقاد نداریم، یعنی این اعتقاد که چون خدا کنترل امور را در دست دارد، ما دیگر هیچ مسؤولیتی نداریم. (بقیه در صفحه ۱۰)

«پایهای خود را از هر راه بد نگاه داشتیم تا آن که کلام تو را حفظ کنم. از داوریهای تو رو بر نگردانیدم، زیرا که تو مرا تعلیم دادی.» (مزمور ۱۱۹: ۱-۱۰۲)

اخیراً پوستری بر روی دیوار کلیسایی نصب شده بود که روی آن این

جمله به چشم می‌خورد: «تصمیم نگرفتن یک تصمیم‌گیری است.» طفره رفتن از تصمیم‌گیری خودش نوعی تصمیم‌گیری است، تصمیم گرفتن به تصمیم نگرفتن! ما مسیحیان فرا خوانده شده‌ایم تا هر روزه تصمیماتی بگیریم که باعث جلال و حرمت خداوندمان عیسی مسیح گردد. گاه اتخاذ چنین تصمیماتی دشوار است و گرایش ما این است که از آنها شانه خالی کنیم. گاه از نتایج تصمیم‌گیری مان می‌ترسیم؛ می‌ترسیم که آبرویمان نزد دوستان و عزیزانمان برود. ما

راه درست را می‌دانیم اما در ضمن می‌دانیم اگر این راه را انتخاب کنیم، چه اتفاقی خواهد افتاد؛ آماده نیستیم که بها را بپردازیم. بعضی اوقات نیز نمی‌دانیم عواقب تصمیماتمان چه خواهد بود، از اینرو از اتخاذ هر تصمیمی خودداری می‌کنیم. در اینجا است که ایمان ما وارد صحنه می‌شود. اگر مسیح و احکام او را پیروی می‌کنیم، این اطمینان را خواهیم

تشخیص اراده خدا

بخش سوم

سرسخن

خواننده گرامی،

سلام گرم مرا بپذیرید. هیچ راهی نیست که بتوانم پی ببرم الان که این شماره از مجله **شبان** را می‌خوانید در چه وضعی هستید، اما در حضور خدا خود را ملزم می‌بینم ترغیبتان نمایم که به مسیح امین بمانید. شاید تحت فشارهای ناشی از خدمتتان، خسته و ناتوان شده باشید، اما این گفته اشعیا را فراموش نکنید که «آنانی که منتظر خداوند می‌باشند، قوت تازه خواهند یافت» (اشعیا ۴۰:۳۱). شاید وسوسه شده باشید که در سختیهای زندگی راه میانبر را انتخاب کنید و از خدا ناطاعتی نمایید؛ اما فراموش نکنید که یعقوب چنین فرموده است: «کسی که بر شریعت کامل آزادی چشم دوخت و در آن ثابت ماند، او چون شنونده فراموشکار نمی‌باشد، بلکه کننده عمل؛ پس او در عمل خود مبارک خواهد بود» (یعقوب ۱:۲۵). یک شبان دانا یک بار چنین اندرزی به من داد: «هیچوقت در مورد خدمتت بر اساس کار یک روز قضاوت نکن.» خدا اجازه می‌دهد که آنقدر شکست بخوریم که فروتن بمانیم، و آنقدر توفیق می‌دهد که بتوانیم به راه ادامه دهیم. پس امین بمانید! چشمان خود را به عیسی بدوزید و همین الان او را بستاید! به هر قیمتی که شده مطیع او باشید! با قلبی منتظر در انتظار او بمانید و نیکویی خداوند را در زمین زندگان خواهید دید.

روز پنجم ماه مه ۲۰۰۲، شبان سیروان دولتی، شبان کلیسای ایرانیان وانکوور (کانادا) به حضور خداوند و منجی‌اش شتافت. شبان سیروان در آن روز یکشنبه، وقتی که خود را برای برگزاری جلسه عبادت آماده می‌کرد، چهره در نقاب خاک کشید. مراتب همدردی خود را به همسر و فرزندان او تقدیم می‌کنیم. خواهش می‌کنم که برای خانواده و کلیسای او دعا کنید.

خدا را شکر می‌کنم برای مشترکین جدید، خصوصاً مشترکی از ارمنستان. وقتی می‌بینم که افراد مختلف این مجله را کشف می‌کنند، بسیار دلگرم می‌شوم. فراموش نکنید که **شبان** را می‌توانید بر روی اینترنت در www.Farsinet.com بخوانید. همچنین، جزوه «تهیه موعظه کتابمقدسی» به قلم خودم را می‌توانید مجاناً از دفتر مجله دریافت دارید. برای دریافت آن می‌توانید نشانی خود را از طریق ای‌میل یا فاکس به من اطلاع دهید. از کسانی که ژرفای خدمت خود را از طریق نوشتن مقالات در اختیار ما می‌گذارند، بسیار سپاسگزارم. همچنین از همه شما که **شبان** را می‌خوانید و آن را در خدمتتان به کار می‌بندید، متشکرم. باشد که خداوند به واسطه رهبران خداترس، کلیسایش را به بلوغ و کمال برساند.

تت استیوارت

سردبیر

مطالب این شماره:

- تشخیص اراده خدا (بخش ۳) ص ۱
- (تت استیوارت) ص ۱
- خدمت شبانی (بخش ششم) ص ۳
- (تت استیوارت) ص ۳
- بیماریهای شبانی (بخش ۴) ص ۵
- (نینوس مقدس‌نیا) ص ۵
- شبان و انتخاب موضوع موعظه ص ۷
- (ایرج امینی) ص ۷
- طرح کلی برای تهیه موعظه ص ۱۱
- (تت استیوارت) ص ۱۱

مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.

P.O. BOX 471736

Aurora, Colorado 80047-1736

U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11

Fax: +1-303-873 62 16

tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به‌دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

وظایف شبان در کتاب مقدس



تغییر کتاب مقدسی چگونه رخ می‌دهد

نوشته کشیش تت استیو آرت

برادرم با لحنی عصیانگرانه گفت: «اگر بیرون بروم شاید بنشینم، اما در داخل خانه دلم می‌خواهد ایستاده بمانم.» تغییر واقعی صرفاً از تغییر رفتار حاصل نمی‌شود.

راه حل سوم، ایجاد تغییر با استفاده از نیروی اراده است. آنانی که از این روش استفاده می‌کنند، به این شعار اعتقاد دارند که «هر کاری که اراده کنی، می‌توانی انجام دهی.» اما این دسته از افراد بزودی پی می‌برند که اراده انسان چقدر ضعیف است و اسیر طبیعت گناه‌آلودش می‌باشد. این جمله سیگاریها را شنیده‌ایم که می‌گویند: «من هر روز سیگار کشیدن را ترک می‌کنم!» همه ما روزی در گناه زندگی می‌کردیم و می‌دانیم که انسان چقدر

(بقیه در صفحه بعد)

باشد، خشم نسبت به وضعیتشان یا به سایرین. آنان به اشتباه می‌پندارند که خشم می‌تواند تغییر سازنده‌ای پدید آورد. اما حقیقت این است که «خشم انسان عدالت خدا را به عمل نمی‌آورد» (یعقوب ۱: ۲۰). بروز خشم نتیجه‌ای جز بدتر شدن وضعیت ندارد.

راه دیگری که ممکن است برای ایجاد تغییر به کار برده باشند، روش پاداش و مجازات است. این را «شرطی کردن» می‌نامند. هر بار که شخص کار درستی انجام می‌دهد پاداش دریافت می‌دارد، و هر بار که گناه می‌کند مجازات می‌شود. این روش ممکن است رفتار انسان را تا حدی تغییر دهد، اما این تغییر به اعماق قلب انسان راه نمی‌یابد. یک بار مادرم برادرم را تنبیه کرد و به او گفت که در گوشه اتاق روی یک صندلی بنشیند.

«و ما او را اعلام می‌نماییم، در حالتی که هر شخص را تنبیه می‌کنیم و هر کس را به هر حکمت تعلیم می‌دهیم تا هر کس را کامل در مسیح عیسی حاضر سازیم» (کولسیان ۱: ۲۸).

راههای غیر کتاب مقدسی برای تغییر

مردم برای دریافت مشورت نزد شبان می‌آیند زیرا مشتاق تغییرند. زندگی برای آنان آنقدر دردناک شده که نیاز به آسودگی دارند. این درد ممکن است از سوی دیگران بر ایشان وارد شده باشد یا در اثر رفتار اشتباه خودشان؛ ایشان معمولاً پیش از آنکه نزد شبان بیایند، راههای دیگری را برای تغییر کردن آزموده‌اند.

یکی از این راهها ممکن است خشم

(دنباله صفحه قبل)

مشتاق است که خواسته‌های نفس خود را به عمل آورد (افسیسیان ۳:۲). آخرین راه برای ایجاد تغییر در زمینه دردهای زندگی، پناه بردن به الکل و مواد مخدر است. این روش فقط نشانه‌های ظاهری درد را تسکین می‌دهد ولی هیچ تغییر واقعی پدید نمی‌آورد. تمام این اقدامات حاکی از فریاد قلبی انسان است برای تغییر و رهایی از رنجهای زندگی. در چنین شرایطی، مشاور مسیحی چه راه حلی می‌تواند به شخص بدهد تا دردی از دردهایش بکاهد و باعث تغییرش شود؟

مشاوره به بی‌ایمانان

یک مشاور مسیحی اگر می‌خواهد امید به تغییر را در دل طالبان آن شعله‌ور سازد، باید دقیقاً شرایط انسان را بشناسد. مشاوره که با بی‌ایمانان سر و کار دارد، باید بداند که ایشان نسبت به خدا مرده‌اند (افسیسیان ۳:۱-۲) و قادر نیستند تغییراتی را که کتاب مقدس تجویز می‌کند، در خود به وجود آورند؛ باید بدانند که بی‌ایمانان اغلب در طرز تفکری اشتباه گرفتارند که ناشی از قلبی فریب‌خورده است (ارمیا ۹:۱۷)، و نمی‌توانند خود را از چنگال گناه آزاد سازند مگر آنکه به سوی عیسی مسیح بیایند (لوقا ۴:۱۸).

مشاوره به ایمانداران

مشاور وقتی سر و کارش با مسیحیان

است، مشاهده خواهد کرد که ایشان از طرق گوناگون مغلوب گناه می‌گردند. اما تفاوت در این است که فرد مسیحی به کلام خدا گوش می‌سپارد و چون با الزام روح القدس مواجه می‌شود، توبه می‌کند. بنابراین، اگر مشاور می‌خواهد که به یک مسیحی کمک کند تا دگرگون شود، نخست باید پی برد که گناه به چه طریقی او را اسیر کرده، و بعد به او کمک کند که از خدا برای شفا و رهایی قدرت لازم را دریافت دارد.

علائم بیماری در ایماندار

نکات زیر نشانه‌هایی هستند از این حقیقت که شخص در گناه زندگی می‌کند و به کمک نیاز دارد:

● سرکشی علیه خدا: این امر از سرکشی او از مراجع قدرتی که خدا در زندگی‌اش قرار داده مشخص می‌شود (اشعیا ۱۰:۶۳؛ ارمیا ۵:۲۳). ریشه سرکشی اغلب از احساس جراحت و سرخوردگی از خدا و دیگران ناشی می‌شود (ارمیا ۲:۱۳). چنین شخصی معمولاً با هر شکلی از قدرت‌های مافوق خود مشکل دارد؛ باید به او کمک کرد تا مجدداً به خدا توکل کند و مطیع او گردد.

● وجدان سرکوب شده (اول تیموتاؤس ۴:۱-۲): این حالت نتیجه رد کردن دائمی کلام خدا و هدیه فیض و توبه الهی است. این سبب می‌شود که

شخص پس از مدتی دیگر احساس گناه نکند. چنین شخصی برای خودش احکام مذهبی اختراع می‌کند؛ او شدیداً نیاز دارد که کلام خدا را بخواند و از آن اشباع گردد.

● ریشه تلخی (عبرانیان ۱۲:۱۵) نتیجه عدم تمایل شخص به بخشیدن دیگران است؛ این حالت اغلب باعث بروز افسردگی و خستگی مفرط می‌گردد. افرادی که روحیه تلخ دارند معمولاً با دیگران با گوشه و کنایه و حالت انتقاد صحبت می‌کنند و اغلب بر این باورند که بزرگترین مشکلشان دیگرانند، در حالیکه مشکل در واقع خودشان می‌باشند.

● گرفتار شدن در ورطه ناامیدی (دوم قرنیتان ۷:۱۰-۱۱). غم دنیوی منتهی به موت است. این اغلب باعث افسردگی یا اعتیاد به مواد مخدر یا میل به خودکشی می‌گردد. چنین افراد نیاز دارند که فیض خدا و اطمینان نجات را تجربه کنند. ایشان معمولاً گناه جدی‌ای مرتکب شده‌اند و بر این باورند که گناهشان بخشوده نخواهد شد.

● جراحات ناشی از کشمکشهای طولانی (یعقوب ۴:۱-۲). بسیاری از مردم درگیر مجادلات لفظی با سایرین می‌گردند و روحشان عمیقاً جریحه‌دار می‌شود. ایشان از آنجا که نمی‌توانند (بقیه در ص ۹)

دستی عضلانی !!!

نوشته کشیش نینوس مقدس‌نیا

یک نفر پیدا نشد که چیزی در زندگی‌اش عوض شود. با محبت و انصاف و حُسن نیت با همه اعضا رفتار کردم، اما همیشه با سوءظن و بدگویی مواجه شده‌ام. سعی کردم به همه فرصت بدهم و با هر کس کنار بیایم؛ گفتند نظم و انضباط در کلیسا نیست و "دوست گناهکاران" هستیم! چند نفری را توبیخ کردم تا کمی دست و پای گناه و فساد را در کلیسا جمع کرده باشم؛ گفتند دیکتاتور و زورگوست و ملاحظه هیچ کس را نمی‌کند (حتی پسر فلان رهبر و نوه فلان کشیش را!). هر چه کردم، نتیجه‌اش عکس آن چیزی شد که فکرش را می‌کردم. پس چرا بیشتر از این به خودم فشار بیاورم؟!»

و بدین ترتیب، سُستی عضلانی آغاز می‌شود؛ نه ایده تازه‌ای، نه کار فوق‌العاده‌ای، نه زحمت اضافه‌ای. هیچ انگیزه‌ای هم شما را به کار و نمی‌دارد. همه فعالیت‌های فوق برنامه را تعطیل می‌کنید و به حداقل جلسات کلیسایی اکتفا می‌کنید؛

به‌عنوان کشیش دستگذاری می‌شود، گمان می‌کند که مهم‌ترین واقعه زندگی‌اش اتفاق افتاده است. هنگامی که شبانی کلیسایی به او سپرده می‌شود، فکر می‌کند که حالا وقت آن رسیده تا تمام آموخته‌هایش را در عمل پیاده کند.

اما چند سالی که گذشت می‌فهمد که آن طورها هم که فکر می‌کرد نشد. هر چه دوید، سوء تعبیر شد؛ هر چه جلسه گذاشت، نتیجه‌ای نگرفت؛ هر چه به ملاقات رفت کسی به کلیسا اضافه نشد؛ هر چه به خدمت دعوت کرد، اطرافش خلوت‌تر گردید؛ و در مجموع، هر چه کوید، به در بسته بود و فایده‌ای نداشت. تازه زحمات و دوندگی‌هایش را هم به خودنمایی و سلطه‌جویی نسبت می‌دهند.

آغاز بیماری

به تدریج با خود فکر می‌کند: «از این همه زحمت چه فایده! به نظر خودم، موعظه‌های خوبی کرده‌ام، اما در تمام طول این سالها

تشریح بیماری

تنبلی در عصر ما

در مقابل هر پُرکاری، باید به کم‌کاری هم پرداخت. اصولاً بشر کنونی، بسیار تنبل‌تر از نسل‌های گذشته است و هر چه پیشرفت می‌کند، از تحرّک کاسته می‌شود. یخچال، آبگرمکن و لباسشویی، زندگی ما را نسبت به زمان پدر بزرگ و مادر بزرگمان بسیار راحت‌تر کرده است. همه چیز کنترل شده؛ از تلویزیون و ضبط صوت گرفته، تا کولر و حتی چراغها و درِ خانه و گاراژ! برای جواب دادن به تلفن لازم نیست از جایمان بلند شویم، چون گوشی بی‌سیمش دم دستمان است! همین عدم تحرّک، باعث عدم کارآیی بدن و بروز بیماریهای مختلف است.

سرخوردگی خادمین جدید

این بیماری هم گریبانگیر شبانان کلیساها می‌شود. هر جوانی با یک دنیا امید و آرزو وارد خدمت خداوند می‌شود. وقتی

(دنباله صفحه قبل)

شبانی فایده‌ای نمی‌بینید.

انحراف کلیسا

و شاید مهم‌ترین خطر این بیماری، از دست رفتن نظارت و کنترل شبانی بر کلیسا باشد. وقتی شبان نیست یا اگر هم هست، شبانی نمی‌کند، هر کس برای خودش رئیس می‌شود و گوشه‌ای از کلیسا را به طرف خود می‌کشد. شبان تنبل و سست-عنصر، باعث می‌شود که حکومت ملوک‌الطوایفی بر کلیسا حاکم شود. در حالی که شما خواب هستید و اهمیتی به کارت‌ان نمی‌دهید، افراد عجیب و غریب با افکار و تعالیم و روشهای غلط رشته امور را به دست می‌گیرند و کلیسا را به انحراف می‌کشانند.

صرفاً برای اینکه در کلیسا باز مانده باشد.

سرایت بیماری به تمام کلیسا

همین حالت تنبلی، به تمام کلیسا هم سرایت کرده، گرد و خاک رنجوت بر همه چیز نشسته، و هیچ تمایلی به کار نیست. دیگر مانند سالهای اول خدمتتان، عشق کار و فعالیت بیشتر و نوآوری در کلیسا ندارید. همان جلسات عادی یکشنبه‌ها (آن هم نصفه نیمه!) را زیادی می‌دانید.

نشانه‌های بیماری**شبان ناپیدا**

مرتب به کلیسا، به دفتر کارت‌ان نمی‌روید. بهانه‌تان این است که در خانه راحت‌تر به کارت‌ان می‌رسید! وقت اداری برایتان مطرح نیست. اعضا نمی‌توانند شما را در کلیسا پیدا کنند؛ تلفنی هم در دسترس نیستید.

عواقب خطرناک بیماری**شهادتی منفی**

دید عموم نسبت به کشیشان این است که هفته‌ای نیم ساعت چند کلمه‌ای حرف می‌زنند و کُلّی پول می‌گیرند! وقتی کشیشی واقعاً اهل کار و زحمت نباشد، شهادتی منفی بر کلّ خدمت روحانی باقی می‌گذارد. در واقع، یک نمونه منفی باعث می‌شود که ذهنیت همه نسبت به کشیشان منفی بشود.

موعظه‌های حاضری

برای تهیه موعظه، چندان به خودتان زحمت نمی‌دهید. به قدر کافی کتاب و سی‌دی هست که موعظه‌های حاضر و آماده را در اختیارتان بگذارد. شب یکشنبه و یا گاهی صبح همان روز، حتی نیم ساعت مانده به شروع جلسه، یکی دو تا از همان کتابها را ورق می‌زنید و آیه‌ای و تقسیم‌بندی‌ای و یک حکایت اخلاقی؛ همین کافی است!

راه درمان

این بیماری هم مثل هر بیماری دیگری قابل درمان است. کافی است کمی به خود زحمت بدهید و تکانی بخورید. اوضاع، آن قدرها هم بد نیست. همیشه می‌توان از نو شروع کرد و فعال شد.

تنبلی: گناه مهلک

در قرون وسطی، تنبلی را یکی از «هفت گناه مهلک» می‌دانستند. مواظب باشید؛ این سستی عضلانی خفیف شما، می‌تواند به تنبلی مهلکی بینجامد. در اثر عدم تحرک روحانی، چاق و فربه می‌شوید و خدمتتان فاقد طراوت و شادابی می‌شود. نتیجه اولیه سستی عضلانی، بی‌حالی و افسردگی روحانی است.

به خود بیایید

به خود بیایید. تا همین چند وقت (یا چند سال) پیش اینطور نبودید. مطمئناً سردی رابطه و مشارکت روحانی‌تان با خداوند، باعث سستی شدن عضلات روحانی‌تان در خدمت به او شده است. به‌سوی او بازگشت کنید تا همان شور و شوق قبلی در شما مجدداً ظاهر شود.

تعطیل شدن ملاقات‌ها

سرکشی به خانه اعضا را مدتهاست که تعطیل کرده‌اید. رفتن از این خانه به آن خانه، آن هم در شهری شلوغ و پُر رفت و آمد، حوصله می‌خواهد. عضلات روحانی‌تان به قدری سست شده‌اند و به قدری کیسل هستند که در هیچ یک از چنین فعالیت‌های

شبان و انتخاب موضوع موعظه

نوشتۀ کشیش ایرج امینی

پایه اصلی پیغام و خدمت خود می دانست. گذاشت.

احتیاج کلی و روحانی اعضا
هر یک از ما نظری جدا و ارادهٔ مختص به خودمان را در امور کلی و روحانی داریم. این نظریات بستگی خاصی به احتیاجات یک یک ما دارد. شبان در تماس با اعضای کلیسا، خصوصاً تازه ایمانان، می تواند تا اندازه ای احتیاجات کلی و روحانی آنها را درک کرده و به مشکلات و سؤال های آنها در انتخاب موعظه جواب دهد.

یادم هست در اوائل خدمت شبانی ام در ایران، ۱۲ نفر از جوانان مسلمان زاده را برای تعمید درس می دادم. با گوش گرفتن به احتیاجات روحانی آنها، فهمیدم که موضوع تثلیث اقدس برای آنها مسألهٔ بغرنجی است. این مطلب و (بقیه در صفحهٔ بعد)

خدا را شکر برای مجله شبان. جای بسی شادی است که برادرمان آقای کشیش تیت استیوآرت، سردبیر مجله شبان، آستین را بالا زده تا بدین وسیله کمکهای لازم را به شبانان و رهبران کلیساهای فارسی زبان ارائه دهد. با توجه به این مطلب و با هدایت خداوند، به فکر رسیدن نکاتی چند در بارهٔ انتخاب موضوع موعظه نگاشته و تقدیم خوانندگان نمایم.

عوامل مهم در انتخاب موضوع موعظه

انتخاب موضوع موعظه به نظر من به سه اصل زیر بستگی دارد:

الهام خدا بوسیلهٔ کلام و دعا

خداوند مسیح در سه سال خدمت خود بر روی زمین کلام خدا و دعا را

شبان نیز موظف است با خدای متعال که او را به این مأموریت و مقام خوانده است، چنان در تماس باشد تا دقیقاً بداند اراده خدا چیست و موضوعی که برای موعظه جستجو می کند، کدام است، و آن موعظه چه اثراتی بر شنوندگان خواهد

با در نظر گرفتن عهدعتیق که مسیح کاملاً با آن آشنایی داشت، و نیز اهمیت دعا، خداوند ما عیسی مسیح اغلب شبهای دراز در راز و نیاز، با پدر در تماس بود، زیرا می دانست خدای متعال مأموریت بی نهایت عظیمی به او سپرده است. انجام این خدمت باید طبق اراده و نقشه الهی عملی گردد. از این جهت بود که خداوند مسیح ساعت های متمادی را با خدای پدر می گذراند تا الهام او را درک کند.

(دنباله صفحه قبل)

مشکل را با خدا در میان نهادم. گرچه فهم و اثبات تثلیث اقدس بی نهایت مشکل و با فهم انسانی ما غیر ممکن است، روح القدس در دعا این مشکل را برای همه ما، هم برای من که تعلیم می دادم و هم برای جوانان تازه ایمان، حل فرمود. کافی است که بدانیم انتخاب موعظه (یا تعلیم کلام) و احتیاجات کلی و روحانی شنوندگان نسبت مهمی با یکدیگر دارند که شبان باید با حکمت در نظر بگیرد.

البته از طرفی شبان باید هوشیار باشد که غرض از درک احتیاجات کلی و روحانی اعضا این نیست که شبان کنجکاو بی مورد در امور شخصی و فکری آنها نماید. متأسفانه بسا اتفاق افتاده که افراط بیجا در این مطلب باعث شده که شبان به بعضی از اسرار خصوصی و فکری اعضا دسترسی یافته و بی جهت آنها را به عنوان سرزنش از منبر کلیسا افشا، و مورد بحث و موعظه قرار داده و جدایی جبران ناپذیری به وجود آورده است. چه گناه بزرگی! مسیح خداوند در فرستادن شاگردان خود مؤکداً دستور می داد که از مأموریت و قدرتی که به آنها داده است، سوء استفاده نکنند. ما شبانان موظفیم که با حکمت و محبت فکر و رفتار نماییم. رساله های پولس رسول به تیموتاؤس مملو از نصایح و اندرزهای بسیار مفید

است و برای شبانان پیر و جوان، خواندن آنها به نظر حقیر کمک بی نهایت بزرگی خواهد بود (اول تیموتاؤس ۴: ۱۶ و دوم تیموتاؤس ۲: ۲۳، تحت عنوان خادم مقبول خدا).

موقعیت جامعه و دنیا

ما در دنیایی زندگی می کنیم که موقعیت جامعه و دنیا اثرات بسیار مهمی در امور روزانه ما دارد. مسائل و مشکلاتی که روزانه پیش می آید، زندگی ما را در شاهراههای پر پیچ و خم قرار داده و موقعیت های عجیبی به وجود می آورد. ما مسیحیان از این مشکلات جامعه مصون نبوده، به علاوه مسؤولیت های گوناگون در خانواده داریم. شبان با حکمت موظف است که به اینها نظر و توجه کند تا اراده خدای عدالت را بهفهمد. وقتی با دقت خدمت سه ساله خداوند مسیح را بررسی کنیم، می بینیم او با تدبیر الهی به موقعیت های جامعه و دنیای آن روزگار توجه می نمود. او هرگز مردم و شاگردانش را به افراط دست راستی یا چپ سیاسی یا اجتماعی دعوت نمی کرد. موعظه های او منحصرأ با نظر به احتیاجات روحانی بشر بود. مسیح خداوند از سرزنش و حمله های بیجا به جامعه دوری می کرد. او می دانست جامعه گناهکار است و پیروی از اصول آن جز به جدال و جدایی و جنگ نخواهد کشید. خداوند

مسیح آشوبگر نبود. او با صلح جویی احتیاجات شخصی مردم را در جامعه گناهکار نگریسته و رهایی و آرامش حقیقی را تنها با توبه از گناه و ایمان به خود به عنوان مسیح خداوند می دانست.

ما شبانان موظفیم در انتخاب موضوع موعظه های خود از عیسی خداوند سرمشق گرفته، راهها و فکرهای او را جستجو کرده، از آنها پیروی کنیم.

خاتمه

اشعیا نبی از خداوند نقل قول کرده، می گوید: «خداوند می فرماید: فکرهای من فکرهای شما نیست، و طریق های شما طریق های من نی. زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است، همچنان طریق های من از طریق های شما و افکار من از افکار شما بلندتر می باشد» (اشعیا ۵۵: ۸ و ۹).

انتخاب موضوع موعظه وقتی با «الهام خدا و کلام» و با توجه به «احتیاجات روحانی اعضا» و «موقعیت های جامعه و دنیا» انجام گردد، آنگاه موعظه های ما شبانان از قلب خدا سرچشمه گرفته و به عمق قلب های شنوندگان نشسته و ثمراتی بزرگ برای جلال عیسی مسیح خداوند و کلیسای او به وجود خواهد آورد. ■

(ادامه ص ۴)

خود را فروتن سازند و توبه کنند، خود را در پيله‌ای از دردهای عدالت شخصی منزوی می‌نمایند. محبت کردن به آنها همچون تلاش برای در آغوش گرفتن یک بیمار سوخته است؛ هر بار که لمسشان می‌کنید، باعث درد بیشتری می‌شوید. ایشان نیاز به شفای درونی عمیقی دارند که می‌تواند از رابطه‌ای استوار با یک مسیحی بالغ حاصل شود.

مشکلات مشاوره

وقتی شروع می‌کنید که ریشه مشکلات را به شخص نشان دهید، آماده باشید که با شگردهای گناه‌آلود مواجه شوید. شخص ممکن است از خدا و کلامش و ایمانداران بگریزد و خود را پنهان سازد. هرگاه او را با گناهش رو در رو کنید، به احتمال زیاد دیگران را مقصر معرفی می‌کند، همانطور که آدم تقصیر را به گردن حوا انداخت؛ یا ممکن است بهانه بیاورد و دلیل تراشی کند. جملاتی از این دست خواهید شنید: «این کار از دست من بر نمی‌آید؛ این پیشنهاد را امتحان کرده‌ام اما موفق نشده‌ام؛ من اینطوری هستم.» مهم است توجه داشته باشید که علت انجام یک کار خاص به اندازه انجام خود عمل اهمیت ندارد. ارائه علتی موجه برای خطا، از وخامت آن در نظر خدا نمی‌کاهد. گناه اهانتی

است به خدا که منجر به انحطاط در فرایند بشری می‌گردد. هدف مشاور مسیحی که آرزومند مشاهده تغییر در انسانهاست، باید این باشد که ریشه گناه را بیابد، گناهی که در پس مشکل ظاهری قرار دارد. او باید طرف مشورت را به سوی توبه و آزادی در مسیح رهنمون شود.

تغییر نیاز به زمان دارد

اگر از دستور العمل‌های الهی پیروی کنیم، بروز تغییر را مشاهده خواهیم کرد؛ اما این امر مستلزم زمان است (فیلیپیان ۱:۶). در غرب افغانستان، باد همیشه از یک جهت می‌وزد و درختانی که بر سر راه این باد قرار دارند نیز در همان جهت خم می‌شوند و کم‌کم در همان حالت باقی می‌مانند. اما اگر باد یکمرتبه تغییر جهت دهد، شاخه‌های درختان نمی‌توانند به همان سرعت جهت خمیدگی خود را تغییر دهند. درختان جوانتر که از انعطاف بیشتری برخوردارند، زودتر به سمت دیگر خم می‌شوند و تغییر جهت می‌دهند؛ اما سایر شاخه‌ها یا خواهند شکست یا در نهایت جهت خمیدگی‌شان را تغییر خواهند داد. خدا نیز تغییر را به همین شکل وارد می‌آورد. او مسیر باد را در زندگی‌مان تغییر می‌دهد تا تحت قدرت روح القدس زندگی کنیم.

نحوه کمک از سوی مشاور

مشاور مسیحی باید در چنین فرایند تغییری به طرف مشورت خود کمک کند:

- کمک کند تا شخص روشهای گناه‌آلود را در زندگی خود کشف کند.

- به او کمک کند تا رفتار مورد پسند خدا را کشف کند. در اکثر موارد، وقتی خدا می‌خواهد که رفتار خاصی را ترک کنیم، مشخص می‌سازد که چه نوع رفتاری را جایگزین آن نماییم.

- به او کمک کند که زندگی خود را به گونه‌ای بازسازی کند که فرصتی برای نفوذ گناه وجود نداشته باشد (پیدایش ۴:۶-۷).

- به او کمک کند که رابطه‌ای مبنی بر پاسخگویی ایجاد نماید. باید با او قرار بگذارید که هفته‌ای یک بار با شما تماس بگیرد تا نتیجه پیشرفت خود را گزارش دهد.

- او را تشویق کنید که وقت خاصی را برای دعا و مطالعه کتاب مقدس اختصاص دهد.

در شماره بعدی جزئیات بیشتری را برای حصول تغییر کتاب مقدسی مورد بحث قرار خواهیم داد. ■

(دنباله ص ۱)

به یاد دارم که یک بار در تهران سوار تاکسی شدم و راننده با سرعتی سرسام‌آوری شروع به راندن کرد. از او خواهش کردم که کمی آهسته‌تر براند تا تصادف نکنیم. پاسخ او را هرگز از یاد نمی‌برم؛ گفت: «هر چه خدا بخواهد، همان می‌شود.» آنجا بود که پی بردم الهیات ما چقدر متفاوت است. راننده تاکسی به حاکمیت خدا اعتقاد داشت، اما نه به مسؤولیت انسان. من نیز به حاکمیت خدا اعتقاد داشتم، اما در کنار آن به مسؤولیت انسان نیز معتقد بودم. من اعتقاد داشتم که باید به خدا توکل کنیم گویی همه چیز به او بستگی دارد، اما در ضمن باید طوری زندگی کنیم که گویی در مقابل خدا فقط ما برای همه چیز مسؤولیم.

یک عالم الهی برجسته به نام رابینسون (Haddon Robinson) رابطه میان اراده حاکمانه خدا در جهان و مسؤولیت اخلاقی انسان را تشریح کرده، می‌گوید که حاکمیت خدا همچون قانون جاذبه است. هر خلبان خوبی آن را محترم می‌شمارد و می‌داند که برای پرواز باید از قوانین آئرونامیک تبعیت کند. این قوانین همچون احکام اخلاقی هستند. خلبان باید از آنها تبعیت کند. باید هواپیمایش سالم باشد و موتورهای هواپیمایش به خوبی تعمیر و نگهداری شده باشد تا بتواند از زمین برخیزد. قانون جاذبه همیشه حاضر است، اما با تسلط بر قوانین آئرونامیک و تبعیت از آنها، خلبان می‌تواند هواپیما را با موفقیت به مقصد برساند. حاکمیت خدا همواره حاضر و حاکم است تا هر اتفاقی را در جهت اراده و جلال خدا کنترل کند (رومیان ۸: ۲۸). اما خدا

آنانی را که احکام او را می‌شناسند و مطابق آنها زندگی می‌کنند، برکت می‌دهد. در کتاب مقدس دو مورد هست که در آنها خدا وعده موفقیت می‌دهد، یکی مزمو ۱: ۱-۳ است و دیگری یوشع ۸: ۱. در هر دو مورد، موفقیت ثمره اطاعت از احکام اخلاقی خداست. اما سوء تفاهم نشود: ما فقط زمانی می‌توانیم از احکام خدا اطاعت کنیم که تولد تازه یافته و از روح القدس پر باشیم. «زانرو که تفکر جسم دشمنی خداست، چونکه شریعت خدا را اطاعت نمی‌کند، زیرا نمی‌تواند هم بکند. و کسانی که جسمانی هستند، نمی‌توانند خدا را خشنود سازند» (رومیان ۷: ۸-۸). شریعت اخلاقی خدا معیار عدالت اوست، با اینکه نمی‌تواند ما را نجات بخشد. شریعت آشکار می‌سازد که ما «پیش از» تولد تازه، گناهکاریم و نمی‌توانیم زندگی عادلانه داشته باشیم و به نجات‌دهنده نیاز داریم؛ نگاه داشتن شریعت اخلاقی خدا آشکار می‌سازد که ما «پس از» تولد تازه، عادل شمرده شده‌ایم. «خلاصه شریعت مقدس است و حکم مقدس و عادل و نیکو» (رومیان ۷: ۱۲). پولس شادی کرده، می‌گوید: «از گناه آزاد شده، غلامان عدالت گشته‌اید» (رومیان ۶: ۱۸). داود نیز این حقیقت را به خوبی درک کرده بود: «به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می‌سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو» (مزمو ۱۱۹: ۹).

همه ما ایمانداران باید بدانیم که اراده خدا این است که دیگر در گناه زندگی نکنیم بلکه زندگی پاک و مقدسی داشته باشیم. پولس جای هیچ شکی باقی نمی‌گذارد وقتی می‌فرماید که «این است اراده خدا یعنی

قدوسیت شما» (اول تسالونیکیان ۴: ۳). هر تصمیمی که می‌گیرید، باید کلام خدا را جستجو کنید تا یقین بدانید که گناه نمی‌کنید. مشکل این است که زندگی چیز پیچیده‌ای است و هرگز در موقعیتی خاص نمی‌توانیم بگوییم چه چیزی گناه است و چه چیزی نیست. لذا اجازه بدهید راههایی برای آزمایش کارهایمان پیشنهاد کنم تا بدانید که آیا کاری که می‌کنید درست است یا نه.

۱- آیا کاملاً مطمئنید که آنچه

می‌کنید گناه نیست؟ «پس هر کس در ذهن خود مُتَبَقِّن بشود [یعنی یقین حاصل کند]» (رومیان ۵: ۱۴). یک ایماندار واقعی وقتی می‌داند که گناه می‌کند، معمولاً مضطرب می‌شود و آرامش خود را از دست می‌دهد. همه ما می‌توانیم برای گناهان خود بهانه‌تراشی کنیم، اما باید به آن نجوای آرام الهی که با قلبمان سخن می‌گوید گوش فرا دهیم. وجدان خود را نادیده نگیرید. داود به خدا گفت که وقتی گناه خود را نادیده گرفت، «دست تو [یعنی دست خدا] روز و شب بر من سنگین می‌بود. رطوبتم به خشکی تابستان مبدل گردید» (مزمو ۴: ۳۲).

۲- اگر عیسی ببیند چه می‌کنید،

آیا شرمنده می‌شوید؟ پولس می‌فرماید: «لذا حریص هستیم بر اینکه... پسندیده او باشیم» (دوم قرنتیان ۵: ۹). وقتی مادرم مرا از تبریز به تهران فرستاد تا به مدرسه بروم، نصیحت بسیار خوبی به من کرد. گفت: (بقیه در صفحه ۱۲)

طرح کلی برای تهیه موعظه

از ت استیوارت

رویارویی با دگرگونیها

یوشع ۱:۱-۹

۱- مقدمه

زندگی پر است از دوره‌های انتقالی که ایمان ما را در معرض آزمایش می‌گذارد. در آغاز کتاب یوشع، بنی اسرائیل با سه تغییر بزرگ روبرو شدند.

- هدایت (از طریق ستون ابر و آتش)
- پیروزی (باز کردن دریا)
- تدارک نیازها (خوراک دادن در صحرا)

● موسی وفات یافته بود: مرگ یک عزیز ما را با تغییر بزرگی مواجه می‌سازد.

● یوشع به رهبری منصوب می‌شود: وقتی خدا ما را به خدمت جدیدی فرا می‌خواند، در مقابل تغییر مهمی قرار می‌گیریم.

● قوم اسرائیل باید وارد سرزمین جدیدی بشوند: خدا ایمان ما را با دعوتی جدید برای اطاعت می‌آزماید.

خدا از طریق سخنانی که به یوشع فرمود، سه حقیقت را عرضه داشت که می‌تواند زندگی ما را در تغییرات ثبات و استحکام بخشند.

۳- خدا قدرتش را عرضه داشت (آیه ۳)

«هر جایی که کف پای شما گذارده شود، به شما داده‌ام» (آیه ۳).

- پیروزی بر اریحا (اطاعت باعث پیروزی شد، آیه ۶)
- شکست در عای (نااطاعتی باعث شکست و سرافکندگی شد، آیه ۷)

۴- خدا وعده‌هایش را عرضه داشت (آیه ۶)

«قوی و دلیر باش، زیرا که تو این قوم را متصرف زمینی که برای پدران ایشان قسم خوردم که به ایشان بدهم، خواهی ساخت» (آیه ۶).
وعده‌های خدا باعث استواری قوم اسرائیل گردید.

- بر وعده‌های خدا تعمق کنید (آیه ۷)
- بدانید که خدا امین است (آیه ۸)

۲- خدا حضورش را عرضه داشت (آیات ۳ و ۵ و ۹)

«چنانکه با موسی بودم، با تو خواهم بود» (آیه ۵)

حضور خدا با موسی به منزله واقعیت‌های زیر بود:

(دنباله صفحه ۶)

و فعالیت کنید که انگار تا هزار سال دیگر مسیح نمی‌آید و شما همچنان باید برای کار بیشتر، برنامه داشته باشید.

آهن، آهن را تیز می‌کند! احتیاجی به حسادت و رقابت نیست؛ کافی است شما هم سهم خودتان را در حد توانتان در کلیسایی که خداوند به شبانی شما سپرده، انجام دهید.

از خادمان کتاب مقدس الگو بگیرید

به نمونه‌های کتاب مقدسی رجوع کنید. مطالعه اعمال رسولان همیشه می‌تواند در هر خادم خدا، ایجاد انگیزه کند. قهرمانان ایمان و خادمان غیور کلیسا، شما را هم بر سر غیرت خواهند آورد تا باز با نیرویی تازه برای پیشبرد ملکوت خدا، جد و جهد کنید.

از کلیساهای دیگر الگو بگیرید

سوم) به کلیساهای دیگر نگاه کنید و ببینید چه می‌کنند. هدفشان این باشد که کار کنید و نگذارید کلیسایتان از کاری که خدا در جاهای دیگر انجام می‌دهد، عقب بماند.

خلاصه اینکه

«غلام شریک بیکاره» (متی ۲۵:۲۶) به درد خداوند نمی‌خورد! هر نوع سستی و کاهلی را از خود دور کنید، چون مسلماً به‌هنگام بازگشت خداوند، باعث خشنودی او نخواهید شد. «بنابراین، ای برادران حبیب من، پایدار و بی‌تشویش شده، پیوسته در عمل خداوند بیفزایید، چون می‌دانید که زحمت شما در خداوند، باطل نیست» (اول قرنیتان ۵۸:۱۵).

زمان را دریابید

زمان را دریابید. فرصت‌ها به‌سرعت از دست می‌روند و دیگر تکرار نمی‌شوند. چشم به هم بزنید، عمرتان گذشته و به آخر خط رسیده‌اید. می‌گویند، به عنوان خادم خدا، باید طوری در ایمان و بیداری روحانی زندگی کنید که انگار هر لحظه ممکن است مسیح بیاید. اما در عین حال از نظر کار کلیسا و خدمت خداوند، باید طوری برنامه‌ریزی

(دنباله ص ۱۰)

«تت، تو آزادی هر کاری که می‌خواهی بکنی اما تا آن حد که بتوانی تجسم کنی که من هم در آن کارها کنارت هستم.» مادرم هیچگاه پی نبرد که این حرفش باعث شد از چه «خوشیهای» محروم شوم! درستی یا نادرستی رفتار ماست که تعیین می‌کند در حضور مسیح زنده سلوک می‌کنیم یا نه. اگر مسیح بیاید و در کنارتان بایستد، آیا احساس شرمندگی می‌کنید؟ اگر می‌کنید، همین دلیل خوبی است تا آن کار را ترک کنید.

۳- آیا کارتان به هر نحوی سنگ

لغزشی برای سایر مسیحیان

می‌باشد؟ پولس می‌فرماید: «بنابراین، بر یکدیگر حکم نکنیم، بلکه حکم کنید به اینکه کسی سنگی مصادم یا لغزشی در راه برادر خود نهد» (رومیان ۱۴:۱۳). در روزگار پولس، گوشتی که برای بتها قربانی می‌شد، موضوع روحانی مهمی به حساب می‌آمد. پولس می‌گوید که خوردن آن اشکالی ندارد، اما اگر این کار باعث لغزش برادری می‌شود، نباید آن را خورد. اصل تعیین‌کننده در اینجا، محبت نسبت به برادر ضعیف‌تر است. امروز هم ممکن است در باره بعضی مسائل بحث کنیم که گناه هستند یا نه. سؤال اینجاست که آیا برادرم را آنقدر دوست دارم که بعضی از آزادیهای مسیحی خود را در راه او فدا کنم؟

۴- آیا کارتان باعث اختلاف میان

دیگران می‌شود؟ پولس می‌نویسد: «اگر ممکن است، به قدر قوه خود با جمیع خلق به

صلح بکوشید» (رومیان ۱۲:۱۸). یک عمل خاص ممکن است به خودی خود گناه نباشد، اما اگر باعث بروز اختلاف میان برادران و خواهران می‌شود، باید از آن دوری کرد. در کلیسای خدمت می‌کردم که در مورد رفتار شایسته در روز خداوند اختلاف نظر وجود داشت. رهبران کلیسا برای جلوگیری از بروز اختلاف، نظر آن گروهی را محترم شمردند که احساس می‌کردند روز یکشنبه را باید به طرز خاصی مراعات کرد و برخی کارها را در آن روز انجام نداد.

۵- آیا کارهایتان باعث می‌شود که

دیگران در مسیح رشد کنند؟

اموری را که منشأ سلامتی و بنای یکدیگر است، پیروی نمایید» (رومیان ۱۴:۱۹). هیچگاه آن روز را از یاد نخواهم برد که شبانم از سوی بعضی از اعضای ناراضی مورد حمله لفظی قرار گرفت. او به جای اینکه از خود دفاع کند، جلو رفت و دست ایشان را گرفت و برایشان دعا کرد. کار او در آن روز سبب شد که من در مسیح رشد کنم. مردم همیشه به ما خادمین نگاه می‌کنند؛ عمل درست ما نمونه‌ای خوبی بر جای می‌گذارد و دیگران را به سوی رشد در مسیح رهنمون می‌شود.

۶- آیا کارهایتان باعث اسارتتان

می‌شود؟

«پس اگر پس‌ر شما را آزاد کند، در حقیقت آزاد خواهید بود» (یوحنا ۸:۳۶ و لوقا ۱۸:۴). بعضی کارها هستند که انجامشان در حد متعادل بی‌ضرر است، اما اگر همان کارها شروع به کنترل ما کنند، آنگاه باید از آنها

دوری بجوییم. عادات بد، اعتیاد به مواد مخدر، مشروبات الکلی، سکس، و بسیاری چیزهای دیگر ما را اسیر می‌سازند و این امر مورد پسند خدا نیست. پولس رسول می‌فرماید: «پس به آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرد استوار باشید و باز در یوغ بندگی گرفتار مشوید» (غلاطیان ۵:۱). یقین حاصل کنید که فقط در خدمت و بندگی مسیح هستید، نه چیز دیگری!

۷- آیا کارهایتان باعث جلال

مسیح می‌گردد؟

باز از پولس رسول نقل قول می‌کنیم که فرموده: «پس خواه بخورید، خواه بنوشید، خواه هر چه کنید، همه را برای جلال خدا بکنید» (اول قرنیتان ۱۰:۳۱). هر چقدر خصائل اخلاقی و کارهایمان بیشتر شبیه مسیح شود، بیشتر باعث جلال خدا خواهیم شد. وقتی به زیبایی ماه کامل نگاه می‌کنیم، به این واقعیت فکر می‌کنیم که آن از خود هیچ نوری ندارد بلکه فقط نور خورشید را منعکس می‌سازد. ما نیز باید در نور مسیح زندگی کنیم و انعکاسی باشیم از پسر خدا. هر روز در موقعیت‌هایی قرار می‌گیریم که لازم است دست به انتخاب بزنیم. در این شرایط باید به یاد داشته باشیم که هر عمل ما باید باعث جلال مسیح و پیشرفت ملکوت او گردد.

در شماره آینده، در باره این بحث خواهیم

کرد که عطایا و استعدادهایمان و نیز شرایط مشورت‌های دیگران چگونه در شناخت اراده

خدا مؤثر واقع می‌شوند. ■

تت استیو آرت